

معرفی کتاب

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi,
Istanbul 1988.



دائرة المعارف اسلام سازمان اوقاف ترکیه

پس از آنکه دائرة المعارف اسلام در سالهای ۱۹۳۸-۱۹۱۳ به اهتمام گروهی از مستشرقان اروپایی به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و آلمانی منتشر شد، برخی از کشورهای اسلامی به ترجمه آن پرداختند. ترجمه عربی در ۱۹۳۳ در قاهره آغاز شد، و بعداً در ترکیه در ۱۹۴۰ با تصویب وزارت معارف، هیأتی علمی در دانشکده ادبیات استانبول به ترجمه و تألیف و تعدیل آن پرداخت. محققان ترك در کنار ترجمه مقالات دائرة المعارف اسلام، خود مقالات بسیاری تألیف کردند که از نمونه‌های خوب و ارزنده در تحقیقات اسلامی و ادبی و تاریخی است. آن دائرة المعارف با عنوان *Islam Ansiklopedisi* در ۱۳ جلد منتشر شده است، و در مقایسه با کاری که در مصر و پاکستان انجام شده است، اصالت و ارزندگی خاص دارد و بسیاری از مقالات تألیفی آن را مستشرقان از ترکی به انگلیسی و فرانسوی ترجمه کرده‌اند و در چاپ دوم دائرة المعارف اسلام عیناً گنجانده‌اند.

مع هذا اسلام انسیکلوپدیسی کمبودهایی نیز دارد؛ گذشته از خطاهای چاپی، فاقد برخی مدخلها و مقالات است. و از سوی دیگر در طی چهل سال اخیر تحقیقات جدید بسیاری در زمینه اسلامیات شده است، و ضرورت ایجاد می‌کرد که اصلاحات و اضافاتی در دائرة المعارف انجام شود و یا اینکه اساساً دائرة المعارفی دیگر منتشر شود.

در ۱۹۸۰ سازمان اوقاف ترکیه (دیانت وقفی) تصمیم به انتشار دائرة المعارفی مستقل گرفت و پس از کوششهای مقدماتی در همان سال، در سپتامبر ۱۹۸۳ سازمانی با عنوان «اداره کل دائرة المعارف اسلام» وابسته به اوقاف ترکیه» تأسیس کرد و آنگاه سازماندهی،

برنامه‌ریزی و فعالیت آن آغاز شد. نخستین محصول این فعالیت، «جزوه نمونه دایرة المعارف اسلام اوقاف ترکیه» بود که در ۱۹۸۶ منتشر شد، و دو سال بعد، پس از نظر خواهیهای لازم از صاحب‌نظران، نخستین جزوه متن اصلی در سه فرم چاپی (۴۸ صفحه)، به قطع ۲۲۵×۲۸۵ میلی‌متر، با چاپ نفیس و کاغذ اعلا و طرح و نقشه و تصاویر (سیاه و سفید، رنگی) در نوامبر ۱۹۸۸ انتشار یافت؛ هر ماه نیز يك جزوه سه فرمی با همان مشخصات منتشر می‌شود، به طوری که تاکنون (شهریور ۱۳۶۸، اوت ۱۹۸۹) ده جزوه آن منتشر شده است.

این ده جزوه که با دو جزوه بعدی، نخستین جلد دایرة المعارف را تشکیل خواهد داد، دارای شانزده صفحه مقدمه است که با صفحه بسم الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود و مشخصات کتاب، فهرست اسامی مسؤولان، اسامی اعضای هیأت علمی مرکزی، دبیران (از هیأت سرپرستی سازمان اوقاف ترکیه)، قواعد املائی، درباره مدخلها، درباره کتابشناسی (مآخذ)، اختصارات عمومی، اختصارات مآخذ و علائم آوانویسی را در بر می‌گیرد؛ و آنگاه، متن با مدخل (مقاله) «آب حیات» آغاز می‌شود. مدخلهای فارسی و عربی و عثمانی علاوه بر الفبای ترکی (لاتینی) با الفبای عربی-فارسی نیز نشان داده شده‌اند. علاوه بر این، هر مدخل با کوتاهترین تعریف و توضیح ممکن که در میان چهار زاویه قائمه بسیار ظریف آورده شده است، همراه است. برای مثال: «آب حیات»: «آب افسانه‌ای که مایه زندگی جاودانه به شمار می‌رود»، و «عباس اول»: «شاه صفوی، مرگ: ۱۰۳۸/۱۶۲۹، حک: ۱۶۲۹-۱۵۸۷». و آنگاه خود مقاله می‌آید. مقاله‌هایی که در چند بخش نوشته شده است، و هر بخش آن نویسنده و مآخذ جداگانه‌ای دارد، با مربع کوچکی که در آغاز پاراگراف اول قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود؛ مثلاً همین ماده «آب حیات» دارای دو بخش «تصوف» و «ادبیات» است و نویسنده هر يك جداست.

نثر مقالات عموماً نثری است روان و متعادل و به دور از واژگان نوساخته و نامقبول. با وجود این، واژگان مقالات با توجه به محتواهای مختلف کاملاً يك دست نخواهد بود. از این که بگذریم يك مقایسه ولو گذرا بین نثر اسلام آنسیکلوپدیسی و دایرة المعارف اخیر نشان دهنده توفیق گروه ویراستاران این دایرة المعارف در کار خود است.

درباره حجم مطالب نیز در مقدمه می‌خوانیم که پاره‌ای مقالات آن در قیاس با مقاله‌های مراجع مشابه، کوتاهتر است؛ و این کار برای پرهیز از افتادن در اطنابهای ممل پیش گرفته شده است. چون هرگز بین اهمیت يك موضوع با طول و تفصیل آن، تناسب مستقیم وجود ندارد.

در مورد سفارش موضوع به مؤلفان محدودیتی وجود نداشته و از محققان داخل و خارج ترکیه بهره‌جویی شده است. اسامی نویسندگان مقالات دایرة المعارف که در ضمیمه جداگانه‌ای ذکر شده است، به ۴۲۸ تن می‌رسد که اغلب آنها استادان دانشگاههای ترکیه‌اند و پاره‌ای نیز از کشورهای عربی و پاکستان و هند و ایران و فیلیپین‌اند. برخی از

محققان مسلمان دانشگاه‌های آمریکا (مانند حامد الگار) نیز جزو مؤلفانند.
اعضای هیأت علمی مرکزی دائرة المعارف ۶۰ نفرند و هیأت‌های علمی عبارتند از:
۱. تفسیر، ۲. حدیث، ۳. فقه، ۴. کلام و تاریخ مذاهب، ۵. تصوف، ۶. اندیشه اسلامی، ۷.
تاریخ ادیان، ۸. تاریخ علوم، ۹. تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۰. تاریخ و تمدن ترک، ۱۱. هنرهای
اسلامی، ۱۲. جغرافیای سرزمین‌های اسلامی، ۱۳. زبان و ادبیات ترک، ۱۴. ادبیات عرب،
۱۵. ادبیات فارسی.

دائرة المعارف شامل تقریباً ۲۲۰۰۰ مدخل (مقاله) خواهد بود که بتدریج انتشار خواهد
یافت. ده جزوه منتشره که پنج ششم حجم جلد اول را تشکیل می‌دهد و با حرف (الف و عین)
آغاز شده است، «آب حیات» تا «آقالر جامعی» را در بر می‌گیرد. با توجه به حجم مقالات
موجود در جزوه‌های منتشر شده می‌توان حدس زد، هر جلد که در ۵۷۶ صفحه (۴۸×۱۲)
انتشار می‌یابد، شامل حداقل هشتصد مقاله خواهد بود و بدین سان، با در نظر گرفتن تعداد
مدخلها (۲۲۰۰۰)، کامل شدن دائرة المعارف، حدود ۲۶ سال طول خواهد کشید و طبعاً به
ضمایم تکمیلی نیز نیاز خواهد داشت که مستلزم فعالیت و زمان علیحده‌ای است. طرحها،
نقشه‌ها، نمودارها و بویژه عکسهای این دائرة المعارف بسیار دقیق و زیباست که با حسن سلیقه
از منابع اصیل انتخاب شده است.

با این وصف، متأسفانه در ده جزوه انتشار یافته، چهار مورد خطای فاحش وجود دارد که
ناگزیر از ذکر آن هستیم؛ صفحه ۱۳۰: «رُتبه» به جای «رُوبه» (این مورد در صفحه ۳۲۰
اصلاح شده است)؛ ص ۲۵۶: «حر پوطی» به جای «خر پوطی»؛ ص ۲۷۴: «الحوی» به جای
«الحوی» و ص ۴۳۹: «منظمة الواحدة العفریقیة» به جای «منظمة الواحدة الإفريقيّة».

علی کاتبی

The Qur'an and its Interpreters, by Dr.
Mahmoud Ayoub, Albany, State University
of New York Press, 1984, vol. 1.

قرآن و مفسران، ترجمه و تألیف دکتر محمود ایوب، ج ۱.

این کتاب نخستین جلد از یک اثر ده دوازده جلدی است که شامل یک دوره تقریباً مفصل از
ترجمه و تفسیر قرآن مجید به زبان انگلیسی است. هدف مؤلف این است که قرآن را از همان
منظری که خود مسلمانان می‌نگرند به خوانندگان و پژوهندگان غربی و انگلیسی زبان
بنمایاند. دکتر ایوب برای آنکه تصویر تمام‌گمانی از تفسیر چهارده قرن قرآن کریم ارائه کند،

به همه جریانها و گرایشهای عمده تفسیری اعم از سنی (نیز معتزلی) و شیعی (نیز زیدی) و مکاتب عرفانی و کلامی و فلسفی به يك اندازه توجه کرده است. منابع او از قدیمترین متون که عبارت از «احادیث تفسیری» است تا جدیدترین تفاسیر عصر جدید را در بر می گیرد. روش کار او بر چهار اصل استوار است. ۱) گروه بندی آیات برای تفسیر، یعنی آیات قرآن مجید را يك به يك ترجمه کرده، ولی دسته ای از آیات را که با هم ربط معنایی و موضوعی بیشتری دارند، یکجا و باهم تفسیر کرده است. ۲) در شمارش آیات، قرآن رسمی مصر را مبنا قرار داده است. ۳) ترجمه آیات قرآن، و نیز بخشهایی که از تفاسیر مختلف نقل می شود، دقیق و نزدیک به لفظ یا تحت اللفظ، و کاملاً وفادار به متن است. ۴) کار تفسیر در این متن بر عهده مؤلف نیست، و عمدتاً بلکه تماماً نقل و ترجمه و تلخیص از تفاسیر است.

منابع تفسیری اصلی که مؤلف عمدتاً از آنها نقل کرده است عبارتند از: تفسیر ابن عربی، تفسیر ابن کثیر، تفسیر نیشابوری (غرائب القرآن)، تفسیر قمی (علی بن ابراهیم)؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)؛ تفسیر کبیر فخر رازی، تفسیر طبری؛ تفسیر طبرسی (مجمع البیان)، تفسیری زمخشری (کشاف)، تفسیر شوکانی (فتح القدير)؛ اسباب النزول واحدی، و دو تفسیر از عصر جدید: المیزان علامه طباطبائی و فی ظلال القرآن اثر سید قطب.

دکتر محمود ایوب دانشمند لبنانی الاصل که از استادان و پژوهندگان مرکز تحقیقات دینی دانشگاه تورونتو (کانادا) بود و اینک در دانشگاه تمپل (امریکا) به تدریس و تحقیق مشغول است، مقدمه پر باری در چهل صفحه بر این اثر نوشته و مباحث مهمی از قرآن پژوهی و يك دوره موجز تاریخ تحلیلی و توصیفی تفسیر قرآن را در میان آورده است. وی در اشاره به روش کار خود در این اثر می نویسد: «در انتخاب آیات برای تفسیر، سه معیار را به کار بسته ام. نخست نیاز به تعیین زمینه و سیاق تاریخی يك آیه یا يك گروه از آیات، به منظور روشن کردن معنای ساده و صریح، و نیز کاربرد آنها. دوم عرضه مباحث یا مناقشات کلامی ای که يك آیه یا گروه آیات برای مفسران به بار آورده است. معیار سوم، عبارت است از رابطه قرآن و امت اسلامی با سایر جوامع و کتب مقدس آنان، که در يك آیه یا گروه آیات بازتاب یافته است. باری هدف من درگیر شدن در جدل و مدافعه گری، یا گرفتن جانب يك نظر یا نظرگاه تفسیری در قبال نظر یا نظرگاه دیگر نیست. بلکه این است که هر چه روشن تر و منسجم تر نظرگاهها و تفسیرهای مختلف را عرضه بدارم...» (مقدمه مؤلف، ص ۳) سپس به معرفی تفسیرها و مفسرانی که مبنا و منبع تألیف این اثر هستند: طبری، واحدی، ابن کثیر، قرطبی، زمخشری، فخر رازی، نیشابوری، ابن عربی، علی بن ابراهیم قمی، طبرسی، علامه طباطبائی و سید قطب می پردازد. بخش دوم مقدمه «قرآن و حمله [= حاملان] آن» آن نام دارد. عنوان بخش سوم مقدمه، «مبانی و سیر تحول تفسیر» است و در آن از مباحث گوناگونی چون نامها و اوصاف و القاب قرآن کریم، احکام قرآن و قصص قرآن، محکمت و متشابهات، نسخ، تفسیر و تأویل و فرق بین آنها، تفسیر قرآن به قرآن، روایات تفسیری حضرت رسول اکرم (ص)،

جواز تفسیر به رأی و اجتهاد جز در مورد متشابهات، آنچه مفسر باید بداند، حضرت رسول (ص) خود نخستین مفسر قرآن است، مفسران صدر اول از میان صحابه و انواع مکاتب تفسیری اعصار بعد، تفسیر شیعه، فرق بین تنزیل و تأویل از نظر شیعه، حدیث ثقلین، مسأله ادعای تحریف قرآن، و جز آنها سخن می‌رود. مجلد حاضر ترجمه و تفسیر دو سوره اول قرآن کریم را دربر دارد. نثر انگلیسی این اثر، چه در مقدمه، و چه در متن که غالباً ترجمه از متون تفاسیر است، شیوا و روشن و روان است.

بهاء‌الدین خرمشاهی

ابوالولید محمد بن احمد بن رشد القرطبی، البیان والتحصیل والشرح و التوجیه والتعلیل فی مسائل المستخرجة، تحقیق محمد حبیبی و دیگران، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ، ۲۰ ج.

ابوالولید محمد بن احمد بن عبدالعزیز قرطبی، متوفی ۲۵۵، فقیه و محدث بزرگ مالکی در اندلس بوده که به لحاظ داشتن پیوند و لاء با ائمه بن ابی سفیان، به «العتبی» شهرت یافته است. وی مؤلف کتابی است به نام «المستخرجة العتبیة علی موطأ مالک» که شنیده‌های اوست از شاگردان بیواسطه یا با واسطه مالک، همچون یحیی بن یحیی اللیثی، سعید بن حسان، سحنون، اصبع بن فرج، ابن وهب و أشهب. این کتاب - که با نام العتبیة نیز شناخته شده است - از یکسو به دلیل احتوا بر مطالب نادر و شگفت‌مورد نقد فقهای همان روزگار واقع شد، و از سوی دیگر به خاطر گردآوری بیشتر مسموعات خود از شاگردان برجسته مالک - که چه بسا در غیر این صورت تباه می‌شد - مورد استقبال قرار گرفت و بیشتر دانش پژوهان اندلس در فراگیری و حفظ آن، همچنانکه درباره «المدونه» (کتابی در فتاوی مالک بن انس به روایت سحنون)، کوشش می‌نمودند. با اینهمه، مستخرجه نیازمند بررسی روایات، تبیین معضلات و توجیه و تنقیح فتاوی بود و این مهم به دست ابوالولید محمد بن احمد بن رشد (جده ۴۵۰ تا ۵۲۰) فقیه بزرگ اندلس انجام شد و البیان والتحصیل والشرح والتوجیه و التعلیل پدید آمد.

ابن رشد (جده) خود از بزرگترین فقهای مالکی در نیمه دوم قرن پنجم و دودهم نخست قرن ششم در اندلس و فاس بود. او در قرطبه به دنیا آمد، نزد دانشمندانی چون ابو جعفر بن رزق، ابن ابی العافیه، ابن الطلاع، عبدالملک بن سراج و حسین بن محمد الغسانی شاگردی کرد و شاگردانی در رشته‌های فقه، حدیث و تاریخ تربیت کرد که بعدها از علمای نامی شدند، مانند محمد بن اصبع ازدی، ابن وزان، قاضی عیاض سبتی، محمد بن یوسف بن سعاده و ابن

نعمه. وی بیشتر عمر خود را به تدریس و تبلیغ و افتاء گذراند و در مشکلات و رویدادهای اجتماعی به یاری مردم می‌شتافت. چهار سال و اندی نیز عهده‌دار منصب قضا شد و آثارش عمدتاً فقهی است.

انگیزهٔ ابن رشد در تألیف *البيان والتحصيل* آنگونه که خود می‌گوید چنین بوده است که در آغاز سال ۵۰۶، هنگامی که دانش پژوهی از مردم شَلَب نزد وی به فراگیری کتاب *العتبیه* اشتغال داشت، تنی چند از دوستان مؤلف، از مردم جَبَّان، بر وی وارد شدند. درس پیرامون یکی از مسائل پیچیده کتاب بود و با تبیین ابن رشد، سختی و غرابت آن زائل گردید. حاضران مجلس درس از وی درخواست کردند که همین شرح و توضیح را در حل سایر فتاوای مشکل و غیر قابل قبول *العتبیه* انجام دهد، و ابن رشد پاسخ داد که کتاب از آغاز تا پایان چنین است، ولی به دلیل عدم اعتماد کامل فقهاء به آن، بر خلاف *المدونه*، بطور جدی مورد شرح و تبیین واقع نشده است. در حالیکه این کتاب نزد شیوخ بزرگ اندلس و مناطق دیگر، مکانت والایی داشته است. آنگاه به دنبال اصرار مکرر متقاضیان، کار را شروع کرد و از نخستین مسأله *العتبیه* تا آخرین آن را شرح داد؛ شرحی که ۱۲ سال به درازا کشید و، با فترت چهار سال دوران سرپرستی امر قضا، در ربیع الآخر سال ۵۱۷ به پایان رسید. روش او چنین است که ابتدا اصل مسأله را می‌آورد، سپس الفاظ را در صورت لزوم شرح می‌دهد، عبارات پیچیده و غامض را باز می‌کند، گفتار فقها را تا آنجا که برای حل و فهم عبارات سودمند است، نقل می‌کند، سبب اختلاف فتوایی فقیهان را در مسائلی از این دست بیان می‌کند و مسائل تکراری را در یکجا شرح داده و بقیه را ارجاع می‌دهد. البته اگر در یک مسأله تکراری، نکته‌ای افزون بر مسأله پیشین باشد، در ذیل همین مسأله شرح می‌دهد. به عقیده مؤلف، اگرچه کتاب به ظاهر فقط شرح *العتبیه* است؛ شرح کلی کتاب *المدونه* نیز به‌شمار می‌رود.

کتاب در هفت بخش (رزمه؛ در اصطلاح مؤلف) و هر بخش از چند باب (کتاب؛ در اصطلاح مؤلف) و مجموعاً ۱۱ باب تنظیم شده است. موضوعات هفت بخش عبارتند از: شرایع (شامل ۲۰ باب در مسائل طهارت، نماز، جنائز، روزه، اعتکاف، زکات، جهاد، نذر، صید و ذبائح، قربانی و عقیقه حج)؛ نکاح (شامل ۱۵ باب)؛ بیوع (شامل ۱۵ باب)؛ اقصیه (شامل ۳۲ باب)؛ عتق (شامل ۱۲ باب)؛ حدود (شامل ۷ باب در احکام)؛ کتاب الجامع (شامل ۹ باب در مباحث گوناگون). برخی از موضوعات فرعی نیز به دلیل کثرت مسائل یا تنوع محتویات، خود در چند باب جای گرفته است؛ مثل کتاب *الصلوة الاولی* تا کتاب *الصلوة الخامس* یا کتاب الجامع الاول تا کتاب الجامع التاسع.

مؤلف بنا به درخواست برخی علاقمندان، مباحثی از اعتقادیات و اصول و قواعد فقهی را که - به اقتضای استاد خود، ابو جعفر ابن رزق - در شرح *المدونه* فراهم ساخته بود؛ با تنقیح و افزودن پاره‌ای مطالب، به صورت کتابی با عنوان *المقدمات الممهّده* در بیش از ۲۵ باب تنظیم کرده، و بر آن بوده است که بعد از تهذیب نسخه اصلی، آن را نیز، مانند سایر بخشها، در

اختیار علاقمندان قرار دهد تا کتاب از هر جهت بی نقص شود و دانش پژوهان با فراگیری آنها از استاد بی نیاز شوند و خود در زمره شایستگان افتاء قرار گیرند. شایان ذکر است که تقسیم بندی و ترتیب ابواب کتاب در همه نسخه‌ها یکسان نیست و گویا درازی زمان تألیف و شماره زیاد علاقمندان به فراگیری و استنساخ کتاب، در ایجاد این ناهمگونی نقش داشته است. همچنانکه مؤلف در روزهای پایانی عمر، متوجه این نکته شده بود.

در هر صورت، البیان و التحصیل از مهمترین منابع فقه مالکی، چه در بعد فتوایی و چه در زمینه استدلالی، به شمار می‌رود. این کتاب را چند تن از محققان (محمد حجی، سعید اعراب، احمد الشرقاوی، احمد الحبایی، محمد العراشی) بر اساس يك نسخه اصل و با مقابله سه نسخه قدیمی و مراجعه به شش نسخه دیگر تهذیب و تصحیح کرده‌اند. محققان، علاوه بر تصحیح متن، مشخصات آیات، مأخذ روایات و سایر منقولات را در حاشیه صفحات آورده و گاه، به شرح عبارات نیز پرداخته‌اند. متن کتاب - بجز بخش مقدمات که محققان وعده نشر آن را در سه جلد داده‌اند - در ۱۸ جلد چاپ شده و ۲ جلد نیز به عنوان فهرست بدان افزوده شده است. فهرست کتاب، به ترتیب جلدها و با توضیح کوتاه محتوای هر مسأله تنظیم گردیده است. اما برای کتاب «الجامع» (جلد ۱۷ و ۱۸)، به دلیل پراکنده بودن و غیر موضوعی بودن کتاب، دو فهرست، یکی در معرفی سماعات و کتب مورد استناد مؤلف العتبیّه و دیگری فهرست الفبایی موضوعی تدوین شده است. این فهرستها خصوصاً در راهیابی به مسائل تکراری، که مؤلف از جایی به جای دیگر ارجاع کرده است، سودمند می‌باشد. محققان، همچنین پیرامون اختلاف در نام کتاب و سبب ترجیح نام انتخاب شده، توضیح لازم را آورده‌اند.

حسن طارمی

علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق، تحقیق و تعلیق شیخ عین الله
الحسنی الارموی، تقدیم سیدرضا صدر، قم، منشورات دارالهجره،
۱۴۰۸هـ.

حسن بن یوسف بن مطهر مشهور به علامه حلی (۶۴۸ تا ۷۳۶) از علمای برجسته شیعه در قرن هفتم بوده است. از این دانشمند فرزانه بیش از ۱۰۰ اثر علمی در علوم مختلف اسلامی از فقه و اصول و حدیث و درایه و تفسیر و رجال و منطق و فلسفه و کلام و علوم عربی بر جای مانده است. کتاب نهج الحق و کشف الصدق یکی از کتابهای مشهور اوست. علامه آن گونه که در مقدمه کتاب آورده است این کتاب را به خواسته سه‌لایح محمد خداپسند پادشاه مقتدر مغول که از او کتابی در اصول عقاید اسلامی با ذکر بر این عقیده و نقلیه خواسته بود به تحریر

در آورد و آن را در سلطانیه بر وی ارائه داد. علامه در این کتاب اصول دین و عقاید اسلامی را به صورت استدلالی مورد بحث قرار داده است همچنین مطالبی درباره موضوعات اصول فقه نیز آمده است. بعدها فضل بن روزبهان اصفهانی در کتابی به نام *ابطال الباطل و ابطال کشف الباطل* آن را مورد نقد شدید قرار داده لیکن بعداً شهید قاضی نوری الله شوشتری به نقد و نقض کتاب روزبهان پرداخته و آراء و نظریات او را در کتاب *احقاق الحق ابطال نمود*. علامه در این کتاب درباره هشت موضوع که مورد اختلاف نظر فقهاء اسلام است به بحث می پردازد: این موضوعها عبارت است از: ۱. ادراک، ۲. نظر (دقت و توجه)، ۳. صفات خداوند، ۴. نبوت، ۵. امامت، ۶. معاد، ۷. اصول فقه، ۸. مسائل اختلافی در تمام ابواب فقه. کتاب با يك مقدمه ۳۱ صفحه ای از سیدرضا صدر در شرح حال مؤلف و تألیفات او آغاز می گردد و در پایان فهرستی از موضوعهائی کتاب در ۱۵ صفحه آمده است.

محمد رضا انصاری

محمدباقر مجلسی، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۶.

مرکز تحقیقات کامیونر علوم اسلامی

از محدث بزرگ مرحوم محمدباقر بن محمدتقی مجلسی متوفی ۱۱۱۰ هـ مشهور به علامه مجلسی بیش از ۵۰ تألیف به عربی و فارسی بر جای مانده است که مشهورترین آنها اثر گرانسنگ او بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار می باشد. از دیگر کتابهای او ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار است که يك دوره فقه استدلالی کامل از اول کتاب طهارت تا آخر کتاب دیات می باشد. قابل ذکر است که کتاب *التهذیب یکی از چهار مجموعه حدیثی مهم شیعه است که توسط شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ هـ) به عنوان شرحی بر کتاب *المقنعة* تألیف شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ هـ) به رشته تحریر درآورده است. روش شیخ طوسی در تهذیب این گونه است که او نخست مسأله ای را از متن *المقنعة* مطرح می نماید و سپس تمام احادیثی را که می تواند دلیل برای آن مسأله باشد با ذکر اسانید آن می آورد و تنها به ذکر روایات بسنده کرده و از ذکر نظریات فقهاء (مگر در موارد نادری) خودداری می نماید. علامه مجلسی آن گونه که از عنوان کتاب برمی آید قصد شرح و توضیح مطالب کتاب تهذیب را دارد و روش او در این کتاب بدین صورت است که او نخست روایات را در متن کتاب آورده و سپس در حاشیه مسائل مربوط به اخبار از قبیل رجال سند حدیث و یا بیان مبهمات متن حدیث و دلالت آن با اشاره کوتاه و مختصری به موارد اختلاف فقهاء پرداخته و سپس نظر فقهی خود به همراه دلیل فقهی آن ذکر می کند. مجلسی در بسیاری از موارد و هنگامی که رأی او موافق نظر دیگران*

می باشد به نقل فتاوی دیگر فقهاء بسنده کرده است و عین عبارت آنان را با ذکر نام نقل می نماید و در بعضی موارد نظریات آنان را با رعایت ادب مورد بررسی قرار می دهد. مجلسی در کتابهایش بیشترین نظریات و فتاوی فقهی را از پدرش و استاد او شیخ عبدالله تستری و شیخ بهاء الدین عاملی و علامه حلی نقل می نماید. مصحح کتاب با بهره گیری از ۱۰ نسخه خطی که بیشترین آنها در کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی موجود می باشد و تعدادی از آنها تنها بخشهایی از کتاب را دربردارد، به تصحیح کتاب پرداخته است.

محمد رضا انصاری

الحسن بن ابی الحسن الدیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، تحقیق: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ هـ.

ابو محمد الحسن بن ابی الحسن محمد الدیلمی از بزرگان و محدثین شیعه در قرن هشتم می باشد. از او تعدادی کتاب که بیشتر آنها درباره وعظ و ارشاد و مسائل اخلاقی است به جای مانده که از آن جمله است کتاب ارشاد القلوب. دیلمی در کتاب اعلام الدین خود همان گونه که از عنوان کتاب برمی آید در صدد برشمردن صفات مؤمنین و ذکر آیات و احادیث و اشعار و وقایع تاریخی در این باره است. مؤلف مطالب زیر را در کتاب خود آورده است: مؤمنین و خصایص آنان و روایاتی در احکام اخلاق و مرگ، تهذیب نفس، فضل علم و علماء و حقوق اخوان و فضایل اهل بیت (ع)، اهمیت قرآن و فضل تلاوت آن و احادیث وارده در این زمینه و مجموعه ای از خطابه ها و وصایای پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)، مجموعه ای از اشعار عرفانی و بحثهای اخلاقی دیگر.

از خصوصیات این کتاب آن است که دیلمی دو رساله یکی البرهان علی ثبوت الایمان اثر ابی الصلاح التقی بن نجم بن عبدالله اکلبی و دیگری الاربعین حدیثاً اثر ابن ودعان موصلی را آورده است که از این دو رساله نسخه ای جز آنچه که در این کتاب آمده است در دسترس نمی باشد.

مؤسسه آل بیت (ع) در تحقیق و انتشار این کتاب دو هدف را دنبال کرده است اول احیای متون قدیم و ارزشمند علمای امامیه، دوم اینکه چون مؤسسه قصد تجدید چاپ کتاب بحار الانوار را دارد، مقدماً به تصحیح چاپ متونی که علامه مجلسی از آنها در بحار الانوار استفاده کرده پرداخته است و تاکنون زیر عنوان «سلسله مصادر بحار الانوار» برخی از این گونه آثار را به شکلی منقح و مصحح منتشر کرده است و کتاب اعلام الدین پنجمین کتاب از این سلسله است. در تصحیح این کتاب از نسخه منحصر به فردی که در زمان حیات مؤلف نوشته شده و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است استفاده شده و چند گروه در

مؤسسه آل بیت قسمتهای مختلف کار را از مقابله و استخراج احادیث و تصحیح متن و استخراج رجال بر عهده داشته‌اند.

محمد رضا انصاری

عبدالمجید دیاب، ابوالعلاء المعری، الزاهد المفتری علیه، القاهرة، الهیئة المصرية العامة للكتاب ۱۹۸۶، ۱۸۰ ص.

ابوالعلاء معری نابغه نابینا، ادیب و شاعر، متفکر نامدار، با همه بدگمانیها که درباره وی هست به هر حال شخصیتی است که به حوزه فرهنگ اسلامی تعلق دارد و مطالعه درباره وی به شناخت سرگذشت اندیشه‌های نسلهایی از مردم مسلمان در گذشته کمک می‌کند. درست است که ابوالعلاء را از قدیم عده‌ای به الحاد متهم می‌داشتند اما آن یا از باب تعصب ناشی از حسن نیت بوده و یا نوعی بهتان زدن عامدانه ناشی از منافسه و رقابت است که از دیر باز میان بعضی اهل علم و ادب معمول بوده است. اما عده‌ای از متجددان و به اصطلاح غرب‌زدگان عرب کوشیده‌اند از ابوالعلاء يك آنتیست اروپاپسند و طراز نوین بسازند و عرضه دارند و در واقع نقش خود را در آئینه او ببینند. تا حدی شبیه آنچه در ایران نسبت به حافظ و خیام صورت گرفت. در مقابل این گرایش جدید که عمدتاً توسط طه حسین نویسنده و محقق نابینای مصری رهبری می‌شد دو بازتاب رخ داد: عده‌ای قشری هرچه در توان داشتند در دشنام و نفرین پراکندن بر ابوالعلاء مایه گذاشتند و بدینگونه بر طرفداران ابوالعلاء یا به عبارت بهتر بر طرفداران نگاه به ابوالعلاء همچون يك آنتیست روشنفکر افزودند. اما دسته معتدلتری که بعداً پیدا شدند کوشیدند که از ابوالعلاء چهره‌ای آنچنانکه بوده است بردارند تا در واقع گرد و غباری که از هوی و هوسها برخاسته بود از چهره حقیقت بردارند. کتابچه مورد بحث حاصل کوشش یکی از طرفداران این نظر است که ابوالعلاء را به آسانی تکفیر نتوان کرد، تکفیری که امثال طه حسین و پیروانش را خوش می‌آید که ابوالعلاء را همچون يك رجال عصر روشنگری وانمود کنند. و محافظه‌کاران قشری را نیز خوش می‌آید. اما عقل و انصاف به آسانی نمی‌پسندد که يك موحد پارسا و عالم تکفیر شود. هر چند حساب کفر و دین با خداست، اما غبن فاحش در این است که حقیقت را بازگونه ببینیم.

مؤلف کتاب مورد بحث عمدتاً مرجع و مستند خود را کتابی قرار داده است که زیر نظر طه حسین گردآوری شد و تمام آنچه را در کتب تاریخ و ادب گذشته راجع به ابوالعلاء آمده است یکجا عرضه می‌دارد: *مهریف القدمات بابی العلاء*. و يك يك حجت آنانی را که ابوالعلاء را بدان سبب تکفیر نموده‌اند به مناقشه می‌گذارد. مثلاً ابوالعلاء منکر آن بوده است که «حام»

به سبب گناهی که کرد سیاه شد، یا اینکه خضر هنوز زنده است، یا اینکه پیش از ابراهیم علایم پیری در سر و صورت مردان ظاهر نمی شده است و اینکه هنگام طلوع خورشید را به زور و ضرب به عرصه مشرق می آورند و... نیز ابوالعلاء جرّز و افسونی را که برای دفع چشم زخم و جن زدگی می نوشتند قبول نداشته همچنانکه بر آب رفتن و در هوا پریدن آدمیان را محال می انگاشته... و نیز اصناف آدمیان از شاهان گرفته تا عالمان و خطیبان و شاعران و تاجران را به باد انتقاد گرفته و ممکن است عبارات و کلماتی هم در اشعارش باشد که متعصبان نمی پسندند اما موجب کفر نمی شود. گذشته از آنکه بعضی اشعار منتسبه از آن وی نیست (ص ۱۳۲ و ۱۳۳).

بعضی از پیشینیان گفته اند ابوالعلاء کتاب *الفصول و الفایات* را به معارضه قرآن ساخته. حال آنکه کتاب صرفاً اثری است ادبی نه بیش-و هیچگونه داعیه ای ندارد. در آثار ابوالعلاء همه جا با تمجید خداوند و ستایش زهد و بیان مواظط طبق روح اسلام مواجه می شویم. آیا در مقابل صدها شعر مشعر بر حسن اعتقاد اگر چند بیت موهم سوء عقیده باشد قابل استناد است؟ آیا در اینجا نباید قاعده تکافؤ ادله و تساقط ادله را به کار گرفت؟ وانگهی آیا قول مهم است یا عمل؟ مگر نه اینکه زندگی عملی ابوالعلاء همه حلال خواری و پرهیزکاری و روزه داری و نمازگزاری بوده است؟ (ص ۱۳۹). با این حال مؤلف اصرار نمی ورزد که ابوالعلاء را از اولیاء و صدیقان وانمود کند (ص ۱۴۶).

خود ابوالعلاء درباره بعضی از اشعارش که موهم معنایی بر ضد دین بوده در کتاب *زجر النابح* پاسخ داده؛ مثلاً درباره عبارت «دیاناتکم مکر من القدمات» می گوید: مراد اهل کتاب است که پیر و ان خویش را می فریفتند (ص ۱۴۱) و درباره اینکه «حج بر زن واجب نیست» گوید در صدر اسلام بعضی بر این عقیده بوده اند و نص قرآن خطاب به مردان است (ص ۱۴۳) و اینکه گفته است «الموت نوم طویل ماله آمد» دلیل بر انکار بعث نیست بلکه بدین معنا است که نمی دانیم قیامت کی واقع خواهد شد و بسیاری آیات در این مضمون هست (ص ۱۴۴).

مؤلف بار دیگر تأکید می کند که تکفیر کسی جز با اثبات اینکه او منکر یکی از ضروریات دین بوده جایز نیست و بر اساس گفتار آنها (آن هم در شعر که مجال مضمون گویی است) نمی توان تکیه کرد (ص ۱۴۶). و اگر اینهمه را با رفتار پاکیزه و زندگی شایسته ابوالعلاء در نظر بگیریم و اینکه بعد از مرگ بر تربتش تنها در يك هفته دوست بار ختم قرآن کردند (ص ۱۶۹) نشان می دهد که منهای دشمنیهای شخصی ناشی از درشت گوییهای کوری تنگ خلق و حسدورزی آدمهای تنگ مایه بر نابه ای وسیع النظر و بسیار دان، ابوالعلاء را يك موحد و يك مسلمان می شناخته اند. و آیا گواهی معاصران و همسایگان دلیلی قوی به شمار نمی آید؟

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

الحقیقه و المجاز فی الرحلة الی بلاد الشام و مصر و الحجاز، تألیف
عبدالغنی بن اسماعیل النابلسی المتوفی ۱۱۴۳ هـ تقدیم و إعداد احمد
عبدالمجید هربدی. القاهرة، الیهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۶،
ص ۶۲۳.

عبدالغنی نابلسی عالم و شاعر متصوف شامی به سال ۱۰۵۰ هـ ق متولد شد و پس از عمری
دراز که به تحصیل و تدریس و ارشاد و سیاحت گذراند به سال ۱۱۴۳ درگذشت. از او حدود
یکصد کتاب و رساله بزرگ و کوچک باقی مانده که از آن جمله است کشف سر الغامض من
شرح دیوان ابن الفارض. طبق این شرح عبدالغنی شخصاً از صوفیه رفاعیه (شرح دیوان
ابن الفارض، قاهره ۱۳۱۹، ج ۲، ص ۱۱۴، ۱۶۴) بوده یا دست کم در آن ایام چنین بوده زیرا
بطوری که محقق کتاب گفته عبدالغنی را جزو سلسله نقشبندیه و قادریه نیز می توان به حساب
آورد و نیز بطوری که از شرح دیوان ابن الفارض پیشگفته برمی آید عبدالغنی به شعر فارسی
هم آشنایی داشته است و از آن جمله به شعر محمد شیرین متخلص به شمس مغربی اظهار
علاقه کرده است (ج ۱، ص ۱۷۸) همچنان که در کتاب مورد بحث ما یک بیت شعر فارسی را
نقل نموده و به عربی برگردانده است (ص ۲۹۰).

باری از جمله تألیفات عبدالغنی سه سفرنامه است که به ترتیب تاریخ تألیف عبارت است
از: رحلة الذهب الابریزی رحلة بعلبک و البقاع العزیز، این را سفرنامه کوچک نیز می نامند و
تاریخ سفرش سال ۱۱۰۰ هـ بوده است. سفرنامه میانین موسوم به الحضرة الانسیه فی الرحلة
القدسیه، تاریخ این سفر ۱۱۰۱ هـ بوده و سفرنامه در سال ۱۹۰۲ در قاهره چاپ شده است.
و بالاخره سفرنامه بزرگ یا همین کتاب مورد بحث که تاریخ سفرش ۱۱۰۵-۱۱۰۶ هـ است
و تدوین کتاب در ۱۱۱۰ هـ پایان یافته است. سفرنامه به ترتیب روز به روز است و جمعاً ۳۸۸
روز را شامل می شود که ۹۹ روز از دمشق تا مصر و ۸۳ روز در مصر و ۵۴ روز از مصر تا
حجاز و ۱۰۹ روز در حجاز گذراند و ۴۳ را صرف بازگشت به شام نموده است و در هر
شبانروز از ملاقاتها و خورد و خواب و دیدار از اماکن گوناگون و به مناسبت از موضوعات
ادبی و عرفانی و مذهبی سخن می گوید و از بسیاری رجال و مشاهد و زوایا و تکایا و مقابر و
مساجد یاد می کند و اطلاعات جنبی نیز که از کتب ادبی و تاریخی به یاد داشته یا از منابع
مربوطه استخراج نموده است می افزاید.

از جمله کتب مورد مراجعه از سفرنامه ها کتب زیارات و کتب تواریخ بلدان و کتب تاریخ
و جغرافیای عمومی و معاجم لغت و نیز کتب حدیث و فقه (حنفی) و حتی آثار ادبی محض
(همچون امالی ابن درید و شرح معلقات نحاس) است. اما اهمیت کتاب در مشهودات و
مسموعات مؤلف و خرده اطلاعاتی است که مستقیماً در محل کسب نموده و برای فهم جو
فرهنگی و معنوی آغاز قرن دوازدهم در بخش وسیعی از ممالک اسلامی بسیار مفید است و اگر

کسی فی المثل آنچه ناهلس نوشته است یا آنچه سیاح متصوف دیگر زین العابدین شیروانی در حدود یکصد و بیست سی سال بعد از او هم به قلم آورده در مواد و موارد مشابه و مقایسه کند بسا منظره‌ای از تغییرات و تحولات را هم بتواند در ذهن مجسم نماید. چاپ کتاب به صورت عکسی است از یک نسخه معتبر به خط یکی از نوادگان مؤلف، و فهارس دقیق و کاملاً قابل استفاده‌ای دارد.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

Patricia Crone and Martin Hinds, *God's Caliph*. Cambridge, Cambridge University Press, 1986, 155 p.

خلیفه الله. تألیف خانم پاتریشیا کرونه (و) مارتین هایندز، ۱۹۸۹.

کتاب خلیفه الله تحقیق جامعی است درباره سابقه تاریخی و ریشه این عنوان و همچنین ماهیت مرجعیت مذهبی در قرون اولیه اسلام که آن را دو اسلام شناس جوان غربی تألیف کرده‌اند. خانم پاتریشیا کرونه که داغمارکی الاصل است و از چندین سال قبل به تدریس تاریخ اسلام خاصه در چهار قرن اول هجری، در دانشگاه آکسفورد مشغول بوده است. این کتاب را با همکاری استاد فقید مارتین هایندز (۱۹۴۱ تا ۱۹۸۸) تدوین کرده است. هایندز که در آذرماه ۱۳۶۷/ دسامبر ۱۹۸۸ به مرض سرطان درگذشت، مدرس زبان عربی و تاریخ اسلام در دانشگاه کمبریج بود. وی از برجسته‌ترین چهره‌های جدید اسلام شناسی در انگلستان بود و در مدت کوتاه زندگی علمی خود مطالعات ارزنده‌ای در جوانب مختلف تاریخ صدر اسلام انجام داد. هایندز در طرح ترجمه کامل تاریخ طبری به زبان انگلیسی نیز مشارکت داشت. از اواسط قرن نوزدهم میلادی، اکثر اسلام شناسان غربی در تحقیقات و تألیفات خود جنبه‌های مذهبی اختیارات خلفاء صدر اسلام را انکار کرده و متذکر شده‌اند که نهاد خلافت از ابتدا تنها اقتدار سیاسی و حکومتی داشته است. مؤلفان این کتاب در شش فصل منضم به حواشی مبسوطی نظریات سنتی اسلام شناسان غربی را درباره ماهیت و روند تحول نهاد خلافت مردود شناخته و تأکید دارند که ریاست دولت و حکومت و مرجعیت مذهبی برای مدتی پس از رحلت حضرت محمد(ص) در شخص خلیفه متمرکز داشته به طوری که تا اوایل حکومت عباسیان، خلفا رهبران سیاسی مسلمانان و همچنین عالی‌ترین مراجع مذهبی آنها نیز بوده‌اند. مؤلفان که به تعداد زیادی از قدیمی‌ترین مآخذ اسلامی استناد کرده‌اند، معتقدند که در صدر اسلام بین نظریه‌های گروه‌هایی که بعداً به اهل تشیع و شیعه اشتها یافتند، درباره حدود اختیارات مذهبی- سیاسی خلفا اختلاف اساسی وجود نداشته است.

فصل اول کتاب به تعریف واژه خلیفه‌الله و تشریح سابقه تاریخی و کاربرد آن اختصاص دارد. مؤلفان با جزئیات زیاد توضیح می‌دهند که واژه خلیفه در ابتدا به معنی خلیفه‌الله مورد استفاده بوده یعنی عالی‌ترین مرجع برای اجرای احکام الهی در روی زمین. کرونه و هایندز سپس توضیح می‌دهند که در طول زمان، علمای اسلام که تدریجاً نقشهای مهم‌تری برای خود متصور شدند، واژه خلیفه را به معنی خلیفه‌رسول‌الله تعریف کرده و این تعریف را به‌طور قهقراپی نیز تعبیر کرده و در نتیجه مرجعیت خلفای صدر اسلام را انکار کردند. به عبارت دیگر، مؤلفان این کتاب توضیح می‌دهند که پس از دوره خلافت مأمون عباسی، علمای اسلام بخصوص علمای سنی مذهب در نوشته‌های خود که بعداً مورد استفاده عموم محققین قرار گرفت تصویر نادرستی از حدود اختیارات مذهبی خلفای صدر اسلام ارائه دادند. این تصویر ضمن آن که اهمیتی برای مرجعیت مذهبی خلفا قایل نبوده، نمایانگر اهمیت اختیارات فقهی اسلاف علماء در قرون اولیه اسلام بوده است. حال آن که مؤلفان این کتاب معتقدند که احکام خلفا در صدر اسلام به وضوح جنبه‌های شرعی نیز داشته و به همین جهت در احادیث نیز انعکاس یافته است.

در فصول بعدی کتاب، مؤلفان زمینه‌های شرعی اختیارات مذهبی خلفا، مانند قرآن مجید و سنت و رأی را توصیف کرده و همچنین توضیح می‌دهند که چگونه از دیدگاه اکثر مسلمانان پس از مأمون عباسی قسمت اعظم مرجعیت مذهبی و اختیارات فقهی خلفا به علما واگذار شد. این کتاب با ضمائم مهمی تکمیل شده مانند ترجمه کامل متن نامه مشهور مأمون عباسی خطاب به حضرت امام رضا (ع). کتاب شناسی مفصلی در پایان کتاب آمده است که راهنمای سودمندی است برای تحقیق بیشتر درباره خلافت و حدود اختیارات مذهبی خلفا در صدر اسلام.

فرهاد دفتری

Heinz Halm, *Die Schia*, Darmstadt, Wissenschaftliche Buchgesellschaft, 1988, 261 p.

شیعه. تألیف هاینز هالم. ۱۹۸۸

کتاب شیعه که اخیراً به زبان آلمانی انتشار یافته مروری است دقیق و مستند بر تاریخ و اصول عقاید فرق مختلف شیعه، خاصه شیعه امامیه اثنی عشریه. این کتاب که منعکس‌کننده جدیدترین تحقیقات اسلام‌شناسان غربی است اولین کتاب جامع راجع به تشیع است که در زمان معاصر به زبان آلمانی تألیف شده است. مؤلف کتاب هاینز هالم در دهه اخیر به عنوان

یکی از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان جدید غربی معرفیت یافته است. هالم در سال ۱۹۴۲ متولد شده و از سال ۱۹۸۰ تا به حال استاد تاریخ اسلام در دانشگاه توپینگن بوده و از دو سال قبل به سمت مدرس اسلام‌شناسی با دانشگاه چهارم پاریس (سوربن) نیز همکاری داشته است. وی صاحب تألیفات مهمی است دربارهٔ غلات شیعه و اسماعیلیه و مقالات متعددی نیز از وی در دایرةالمعارف اسلام و ایرانیکا درج شده است.

در فصل اول این کتاب، مؤلف به طور اجمالی مطالبی دارد دربارهٔ آغاز تشیع، وقایع مهم صدر تاریخ شیعیان، انقسام شیعه به فرق مختلف مانند امامیه و کیسانیه و زیدیه، و بالأخره انقلاب عباسیان که در سال ۱۳۲ هجری به ثمر رسید. مهمترین قسمت کتاب، یعنی فصل دوم (ص ۳۴ تا ۱۸۵)، به توصیف تاریخ و اصول عقاید شیعه امامیه (اثنی عشریه) اختصاص یافته است.

در این فصل، تاریخ شیعیان امامی از زمان امام جعفر صادق (ع) تا دوران معاصر و پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و مؤلف ضمن توصیف وقایع تاریخی در زمان امامان و سپس در دورهٔ غیبت به تشریح سیر تحول علوم کلام و فقه شیعی و همچنین اجتهاد و مرجعیت پرداخته است. در این فصل همچنین مطالب قابل توجهی دربارهٔ عرفان شیعی، روابط بین تشیع و تصوف، تفکر شیعی در دورهٔ صفویه، مکتب اصولی و اجتهاد در دورهٔ قاجاریه آمده است و در آخر فصل نیز مطالبی دربارهٔ وضع علما در دورهٔ پهلوی، انقلاب اسلامی و بالأخره وضع شیعیان معاصر در لبنان و کشورهای خلیج فارس و سرزمین‌های هند و پاکستان و اتحاد جماهیر شوروی دیده می‌شود.

فصل مشروح دیگری به اسماعیلیه تخصیص یافته (ص ۱۹۳ تا ۲۴۳) که شامل قسمتهایی است دربارهٔ آغاز دعوت اسماعیلیه، افتراق سال ۲۸۶ هجری در نهضت اسماعیلیه و انشعاب آن به شاخه‌های فاطمی و قرمطی، امامت فاطمیان، مکتب ایرانی الاصل تفکر اسماعیلی و نفوذ تفکر نو افلاطونی در آن، فرقهٔ دروزیه، نزاریه، و بالأخره اسماعیلیان مستعلی-طیبی و بهره‌ها. مطالب مؤلف در این فصل کاملاً نمایانگر تحقیقات جدید اسماعیلی است که در چند دههٔ اخیر انجام گرفته است. در فصول کوتاه‌تر کتاب، هالم مطالبی دارد مربوط به زیدیه و شیعیان افراطی (شامل نصیری و اهل حق). از ویژگیهای مهم این کتاب ذکر منابع و مأخذ اصلی و فرعی است در پایان هر قسمت که برای تحقیق بیشتر راجع به هر یک از مطالب توصیف شده بسیار سودمند است.

فرهاد دفتری

*Catalogue of the Shi'ite Collection in the
Oriental Department of the University of
Cologne, ed. by Abdoldjavad Falaturi.
München: K. G. Saur, 1988.*

فهرست مجموعه شیعی. زیر نظر عبدالجواد فلاطوری، ۱۹۸۸.

در آماري که در هفدهمین کنگره شرقشناسی آلمان (۱۹۶۸) منتشر شد، اشاره شده است که تنها دو درصد از کل متون مربوط به اسلامشناسی که به زبانهای غربی منتشر گردیده به مکاتب غیر سنی پرداخته و از این دو درصد نیز فقط ۷٪ به امامیه اختصاص یافته است. برای حفظ یکپارچگی اسلام لازم می نمود که وجوه مشترک مذاهب و فرق مختلف آشکار شود تا از این طریق روابط این مذاهب استحکام بیشتری یابد. این امر جز از طریق گردآوری اسناد و مدارک و سازمان دادن آنها ممکن به نظر نمی رسید. بر پایه چنین اعتقادی بود که کتابخانه شیعی در آلمان به طور جدی مورد توجه قرار گرفت.

متون شیعی بخش شرقشناسی دانشگاه کلن در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ بتدریج به صورت مجموعه ای معتبر شکل گرفت. نخست به دلیل نامشخص بودن بودجه سالانه بخش شرقشناسی کتابها به طور نامرتب وارد مجموعه می شد، اما اندکی بعد کمکهای مالی دانشگاه و برخی افراد و سازمانهای علاقه مند دیگر، آهنگ رشد این مجموعه را نظم و سرعت بخشید. اما مشروط بودن این کمکها سبب شد که این مجموعه به کتابخانه دانشگاه تعلق یابد. همین امر سبب گردید که مجموعه کتب شیعه کتابخانه دانشگاه (شامل ۱۷۳۷ عنوان) و بخش شرقشناسی (که در حال حاضر به حدود ۸۰۰۰ عنوان می رسد) درهم ادغام شود. بنابراین، آنچه در فهرست حاضر آمده شامل کلیه عناوین این دو مجموعه ادغام شده است، و خصوصاً حوزه هایی چون تفسیر، فقه، اصول، فلسفه، عرفان، اخلاق، کلام، حدیث، شرح حال، جدل، شیخیه و امثال آن را دربرمی گیرد. در میان این متون اسناد گرانبها و نادری نظیر مجموعه های فتاوی و مواعظ و مصائب و نظایر آن را می توان یافت که علاوه بر تسهیل مطالعات شیعه شناسی، فضای فکری و معنوی ایران را در دوره های مختلف نیز نشان می دهد.

این فهرست بر اساس مدخل اصلی و نیز عناوین کتابها یکجا الفبایی شده، به گونه ای که می توان هر اثر را از دو طریق متفاوت مؤلف و عنوان بازیابی کرد. شیوه الفبایی - به جز در مورد نامهای مرکب که با تیره به یکدیگر مرتبط شده است - کلمه به کلمه است. وجود دو مجرای مؤلف و عنوان در داخل متن سبب شده است که در این فهرست هیچگونه فهرست راهنمای مستقلی در نظر گرفته نشود. در نامهای کهن که از بخشهای مختلف (از قبیل کنیه، نسبت، لقب) ترکیب یافته، میان اجزاء مختلف ارجاع برقرار شده است. عناوین نیز به مدخل

اصلی از طریق ارجاع مرتبط شده است، و اگر متنی دارای چند عنوان متفاوت بوده، میان این عناوین نیز ارجاع برقرار گردیده است. علاوه بر اطلاعات معمول کتابشناسیها، تاریخ تحریر، تدوین، یا نشر آثار به میلادی نیز آمده است. چون متن این فهرست به لاتینی است، شیوه آوانگاری کلمات فارسی و عربی با استفاده از منابع معتبر خصوصاً بروکلیمان صورت گرفته و نحوه تبدیل آواها نیز در مقدمه فهرست به سه زبان انگلیسی، آلمانی، و عربی ذکر گردیده است.

این فهرست زیر نظر دکتر عبدالجواد فلاطوری که خود بنیانگذار اصلی مجموعه شیعه‌شناسی دانشگاه کتی است، تهیه گردیده است.

عباس حرّی

ل. ن. دادخداپوا، منظومه‌های نظامی در نقاشی مینیاتوری قرون وسطی. مسکو، نشریات ناوکا، ۱۹۸۵. زیر نظر او. ف. آکیموشکین، ۱۶+۳۰۸ص.

این کتاب تحقیقی است به زبان روسی درباره مینیاتورهای چندین قرن گذشته در موضوع خسته نظامی. نویسنده کتاب دکتر دادخداپوا بانوی هنرشناسی است از مردم تاجیکستان و از محققان انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم تاجیکستان. وی پیش از این کتاب آثار دیگری نیز در زمینه تاریخ هنر نوشته که در شوروی و اروپا چاپ شده است. در این کتاب مؤلف بررسی خود را جمعاً در ۸۵ صفحه طی یک مقدمه و دو فصل و خاتمه به عمل آورده است و ۲۳۹ صفحه کتاب به فهرست مینیاتورها و فهرست نسخه‌های خطی مصور نظامی و تصاویری از مینیاتورها اختصاص یافته است. با گردآوری صورت ۳۳۶۰ مینیاتور در ۳۳۸ موضوع آثار نظامی، تعیین مکاتب هنری و در اغلب موارد ارزشیابی هنری آنها مؤلف کاری بسیار ارزنده انجام داده است. خسته نظامی به سبب ارزش والای ادبی در سرزمینهای وسیع رواج داشته و در ادبیات فارسی و ترکی بیشترین «نظیره»های آن سروده شده است. علاوه بر این به عقیده هنرشناسان از جهت شمار مینیاتورها نسخ خطی خسته نظامی بعد از شاهنامه فردوسی در مرتبه دوم قرار دارد.

خانم دادخداپوا در فصل اول (دستنویسهای مصور منظومه‌های نظامی گنجوی) کتاب خود به بررسی مینیاتورهای هنرمندان ادوار و مکاتب مختلف پرداخته است. فصل دوم کتاب «ویژگیهای تصاویر موضوعات منظومه‌های نظامی در مینیاتور پارسی» است و مؤلف موضوعهای مختلف را مقایسه کرده و به بررسی آنها پرداخته است. به نظر مؤلف هر یک از نقاشان در تصویر موضوعهای سنتی برخوردار بوده و ویژه داشته‌اند. در ادبیات نیز نظیر این عمل

مشاهده می‌شود. شخصیت قهرمانان نظامی با قهرمانان همنام خود در آثار امیر خسرو دهلوی یا جامی یا نوایی عمیقاً متفاوت است. از بخشهای شایان تقدیر این کتاب فهرست مینیاتورها و نسخ خطی مصور آثار نظامی است در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی کشورهای مختلف که تاکنون شناخته شده است. تصاویری که در آخر کتاب (۱۲ عدد) به عنوان نمونه چاپ شده است اگر رنگی بود تأثیر بهتری داشت. آنچه در اینجا از تذکر آن ناگزیر می‌باشیم این است که مؤلف کتاب از آثار هنرشناسان ایرانی اسمی نبرده و از آنها سود نجسته است. مؤلف در اغلب موارد گفته‌ها و خاورشناسان شوروی را بی‌چون و چرا قبول کرده است، در حالی که ضروری بود با آن گفته‌ها برخوردی انتقادی می‌شد و تحقیقات اخیر درباره آثار نظامی دقیقاً بررسی می‌شد. به‌طور مثال سبب انتخاب موضوع خسرو و شیرین را مؤلف مرگ آفاق همسر شاعر می‌داند. حال آنکه شروع منظومه خسرو و شیرین به سال ۵۷۱ بوده و به قول خود شاعر «به کم مدت فراغت حاصل آمد» که شاید و به احتمال قوی در ظرف چند ماه به اتمام رسیده است و آفاق در ۵۷۶ فوت کرده است. نظامی ابیات مربوط به مرگ آفاق و چندین مطلب دیگر را در تجدید نظرهای سالهای بعد به آن منظومه افزوده است. به هر حال و صرف نظر از برخی لغزشها، پژوهش دادخدا یوا برای بررسی هنر مینیاتور ایرانی منبع باارزشی است.

حمید محمدزاده

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درگذشت يك همكار

دکتر محمد طباطبائی (۱۳۶۸ - ۱۳۲۰) که در ترجمه مقالات انگلیسی با بنیاد دایرة المعارف اسلامی همکاری می‌کرد در آبانماه ۱۳۶۸ درگذشت. محمد طباطبائی لیسانسیه زبان و ادبیات انگلیسی و دکتر در زبانشناسی بود. در دانشگاههای تبریز و اهواز و سنندج تدریس کرده بود و مدتی نیز در مرکز نشر دانشگاهی به کار اشتغال داشت. از او مقالاتی در مجلات نشر دانش و زبانشناسی منتشر شده است. از جمله تألیفات چاپ شده اوست: فرهنگ پزشکی، فرهنگ مدیریت، فرهنگ اصطلاحات فنی و فرهنگ صناعات ادبی.